

قهار رسولیان

نخستین مکتب اصول جدید تاجیکی

یکی از نخستین بنیان‌گذاران مکتب اصول جدید تاجیکی، عبدالقادر شکوری (۱۸۷۵-۱۹۴۳) است. این مرد فدایی مکتب و معارف سال ۱۹۰۳ در زادگاهش دههٔ رجب‌امین سمرقند که قبلاً با اصول سنتی تعلیم می‌داد، به تعلیم اصول جدید پرداخت. او در رابطه به مکتب‌داری خود در ترجمهٔ حال خویش سال ۱۹۱۳ چنین نوشته است: «در حولی (منزل) خود به طرز اصول قدیم مکتب‌داری می‌کردم، اما از سختی و دشواری اصول تعلیم و تربیه دلگیر می‌شدم. روزی برای کار خصوصی خود در قطعهٔ روسی شهر می‌رفتم که ناگاه در اثنای راه نظرم به گمنانزیا (آموزشگاه) افتاد. دورتر ایستاده از تیریزه‌های (پنجره‌های) کشاده به سوی معلمان و شاگردان با چشم عبرت‌نگریستم و دیدم که رفتار و کردار ایشان به دایرهٔ ادب، اخلاق و انتظام بود... از این جهت خیلی متأثر بودم.»

بعد از این واقعه و آشنایی با روزنامهٔ ترکی «ترجمان» از طریق ساعت‌ساز تاتار ملا بدرالدین و خواندن مقاله‌ای در این روزنامه در بارهٔ مکتب اصول نو، به فکر تأسیس چنین مکتبی می‌افتد.

رحیم هاشم در بارهٔ آشنایی عبدالقادر شکوری با روزنامهٔ «ترجمان» و تأثیر آن برای بنیاد مکتب اصول جدید چنین می‌نویسد: «معلم من اولین تأسیس‌کنندهٔ مکتب نو در سمرقند- عبدالقادر شکوری که یکی از معارف‌پروران پیشقدم زمان خود، یکی از فدائیان نشر معارف در بین خلق تاجیک می‌باشد، چه نوع آگاه گردیدن خود را از گزیت (روزنامه) و به

گزیت خوانی چه نوع سر کردن (آغاز کردن) خود را چنین نقل می‌کرد: «در وقت ملاپجگی ام روزی برای درست کناندن ساعت خود در رسته نو سمرقند به دکان ساعتسازی استا بدرالدین نام تاتار در آمدم. در دستش ورقه‌ای را نگاه داشته می‌خواند. از روی کنجکاوی «این چیست که می‌خوانید؟» گفته پرسیدم. استای مذکور به سؤال چنین جواب داد: «این چیزی است که کور را بینا می‌کند و نه این که بینای عادی، بلکه عالم‌بین می‌گرداند!» من حیران مانده رخصت پرسیده آن ورقه را گرفته، دیدم «ترجمان» نام گزیت (نشریه) بوده است که آن وقتها در شهر باغچه‌سرای قدیم نشر می‌گردید. گزیت را برده پنهانی خوانده آورده دادم. به همین واسطه چه بودن گزیت را فهمیدم، به خواندن آن عادت کردم. ذوق و هوسم به دانستن چیزهایی که در آن نشر می‌شد، روز به روز زیاد گردید و از سال آینده خودم به ترجمان آبونه شدم.»

همین معلم شکوری در سالهایی که من در مکتب وی درس می‌خواندم، به اکثر نشریه‌های تاتارستان و آذربایجان آبونه بود، اکثر مقاله‌های علمی و ادبی آن نشریه‌ها را به طالب‌علمان خود خوانده، فهمانده می‌داد، جوانان را به خواندن گزیت ترغیب می‌کرد.^۱

عبدالقادر شکوری به شهر خوقند رفته، با اصول آموزش و پرورش در مکتب جدید صلاح‌الدین مجیدی (مردی تاتار) آشنا می‌گردد و سپس به وطن برگشته، به اصول تعلیم جدید می‌پردازد. ابتدا بر اساس کتابهای درسی تاتاری «معلم اول» عبدالهادی مقصودی، «معلم ثانی»، «هفت‌یک» و کتاب‌های از باغچه‌سرای، استامبول، باکو، قزان، تهران را که به دست آورده بود، به دانش‌آموزان تعلیم می‌داد و بعداً خود و دوستانش کتابهای درسی تهیه می‌کنند.

عبدالقادر شکوری می‌خواست که در محیط شهر به آموزش و پرورش دانش‌آموزان بپردازد. مهندس حاجی عبدالقادر خُمدانچی از گذر خواجه ذوالمراد سمرقند حولی‌اش را به شکوری پیشکش می‌کند که برای مکتب مناسب نبود. در این باره وود محمودی چنین می‌نویسد: «یادم می‌آید هنوز کرسی‌های مکتبی نداشتیم. در روی زمین خانه که تخته‌گین بود، بر روی نم و شال می‌نشستیم و در پیش چارپایه‌های پستک (کوتاه) داشتیم که کتاب و دفتر، سنگ‌تخته و سنگ‌قلم‌ها را روی آنها نهاده می‌خواندیم و می‌نوشتیم. در آن روزها و سالها - سالهای اول عصر ۲۰ کتابهای ما بیشتر در شهر قزان چاپ می‌شدند. در آن میان

رساله‌های عالم‌جان بارودی، هادی مقصودی و دیگران دیده می‌شدند. یک قسم کتاب‌های درسی تاجیکی را تاتارستان برای ما حاضر می‌کرد. «شرایط ایمان»، «عقاید اسلامی»، «عبادت اسلامی»، «صد پند لقمان حکیم»، «معلم اول»، «معلم ثانی» از آن جمله بودند.^۲

اما با اغوای همسایه حاجی عبدالقادر شکوری مجبور می‌شود که مکتبش را به حولی محمودخواجه بهبودی واقع در گذر یامین نزد قلندرخانه کوچاند. در رابطه با انتقال مکتب از یک جای به جای دیگر باید گفت که آن طول فعالیتش یازده بار مکانش را عوض نموده است. هنگامی که مکتب در حولی محمودخواجه بهبودی بود، شخصی به اداره‌های دخلدار شکایت می‌نویسد که گویا در مکتب شکوری به بچه‌ها کتاب‌های «ضررناک» تعلیم می‌دهند که در پی آن از سوی وزارت معارف روسیه برای تفتش مکتب بازرس اعزام می‌گردد.

این واقعه را ودود محمودی چنین یادآوری می‌کند: «به معلم خبر داده بودند که مفتش بزرگی آمده است و باید احتیاط لازمی را کرد. بنابر این آنچه که از کتاب‌های دانش دنیوی بود، در زیر هیزم و خس و خاشاک و دوتی‌های (زیرزمین) خانه پنهان کرده شد. خریطه‌های جغرافی، کره مجسمه‌ها گورانده شد و در روی کرسی‌ها فقط «قرآن»، «هفت یک»، «الفبا»، «جامع‌الحکایات»، «صد حکایت» برین کتاب‌های در نظر حکومت پادشاهی بی‌ضرر نهاده شد. همه جا روفته، آب زدگی منتظر مفتش بدبروت بدهیبت بودیم. چند نفر آدمان رسمی آمدند. هر طرف را کافت و کاو کردند، پرس و جو به میان آمد، حتی قبت (قفسه) کتاب و دفترهای بچگان را نیز دیدند. چیزی که در باره مکتب و فعالیت معلمش در شکایت‌نامه‌ها از خادمان صادق حکومت پادشاهی نوشته شده بود، یافت نشد».^۳

چون تعداد دانش‌آموزان می‌افزاید، شکوری در باغ میراثی پدر برای مکتب یک بنای بزرگتری می‌سازد. مکتب با اصول حشر بنا شده، در ردیف شاگردان و والدین آنها عبدالقادر خمدانچی مهندس، مقیم نجار، سیفی خوش‌نویس زحمت زیاد به خرج دادند و این بیت‌ها در حق آنهاست:

استا مقیم نجار

کرده کرسی‌ها طیار

دارد خدمت بسیار
در مکتب سمرقند
کرده ملا عالمجان
سرشته شاگردان
اسباب و مرکب هاشان
در مکتب سمرقند

در این دوره برای پرداخت معاش معلمان، تعمیر مکتب، خرید کتاب‌های درسی از شاگردان از نیم سوم تا ۳ سوم (Sum = واحد پول) گرفته می‌شد. بچه‌های کم‌بضاعت و یا بی‌بضاعت رایگان تحصیل می‌کردند.

چون مکتب از شهر دور بود و همه بخصوص در فصل سرما نمی‌توانستند در درس‌ها شرکت نمایند، شکوری را لازم آمد تا در داخل شهر منزلی را برای مکتب پیدا کند. تاجری به نام محمد رحیم‌بای منزل حیاط‌دارش را در گذر قوشحوض در اختیار مکتب شکوری گذاشته، فرزندان را نیز به خواندن می‌گذاشت. بنای جدید مکتب خیلی وسیع بود و هر کلاس در اتاق جداگانه جای گرفت. چون بعضی اشخاص کهنه‌پرست و دشمن مکتب اصول جدید به محمد رحیم‌بای فشار آوردند، مکتب اجباراً به منزل تاجری دیگر به نام محمد امین‌جان نیازی انتقال می‌یابد. در اینجا شرایط تعلیم به سبب نرسیدن اتاقها خوب نبود. تقریباً کل ۱۰۰ نفر دانش‌آموز در یک اتاق بزرگ درس می‌خواندند (در طول سال‌های ۱۹۱۱-۱۹۱۲).

همین که عبدالقادر شکوری از طریق مطبوعات آگاه شد که در استامبول مجله‌ای با عنوان «تدریسات ابتدائیه» انتشار می‌یابد، به خاطر آشنایی با آن و مکتب اصول جدید صالح‌بیگ برخی از اسباب روزگار و کتاب‌هایش را فروخته، سال ۱۹۱۲ به ترکیه می‌رود. او پیشتر از مکتب اصول جدید خوقند و در سال ۱۹۰۹ از قران دیدن نمود.

پس از بازگشت از استامبول شکوری در روند آموزش و پرورش بعضی تغییرات وارد کرد. از جمله آموزش زبان روسی جاری نمود که در آن سید احمد خواجه عجزی تدریس می‌نمود. از دیگر معلمان مکتب، محمد یونس، عبدالصمد تبریزی، شاگرد شکوری- و دود

محمودی بودند.

در آغاز جنگ اول جهانی مکتب شکوری به منزل شخصی به نام باباکلان هندی در گذر رسته نو انتقال یافت.

عبدالقادر شکوری از نخستین کسانی بود که تعلیم و تربیت پسران و دختران را در یک کلاس به راه انداخت. نخستین شاگردان او منوره- دختر عبدالرحمان، جمیله- دختر محمدهاشم، زینب- دختر عبدالله سیدساز بودند. بعداً همسر شکوری میسر-خانم مکتب جدید دخترانه را تأسیس می‌نماید. رحیم هاشم در این خصوص می‌نویسد:

«شکوری هر سال در ماه‌های می و ایون (ژوئن) برای عیانی نمایش دادن موفقیت‌های اصول تعلیم خود، مجلس‌های کشاد عمومی امتحان تشکیل می‌داد. در این امتحان‌های عمومی که تا ده روز دوام می‌کرد، در مکتب به روی همه کشاده بود. معلم، پدران و نزدیکان خوانندگان، همه طبقه‌های اهالی شهر، خصوصاً مخالفان مکتب نو را دعوت می‌کرد و در یک دو موسم تحصیل خط‌خوان، خط‌نویس و از معلومات ابتدایی آگاه شدن شاگردان خود را نمایش می‌داد. به این مجلس‌های امتحان از شهرهای دیگر هم‌مسلمانان معلم، معلمان، هواداران اصول نو تعلیم هم دعوت کرده می‌شدند. من در این امتحان‌ها از مردان پیشقدم آن دوره استاد عینی، میرزا عبدالواحد منظم، شاعر خوقندی صوفی‌زاده، معلم و مؤلف کتاب‌های درسی در تاشکند شاکر جان رحیمی، عاشور علی ظاهری خوقندی و دیگران را اولین بار دیدم. اینک در امتحان سال ۱۹۱۶ حمزه حکیم‌زاده به مکتب ما آمد...»^۴

در مکتب و خانه عبدالقادر شکوری روزنامه و مجله‌های چاپ مصر، کلکته، استامبول، تهران، باکو، تفلیس، قزان، ارینبرگ، باغچه‌سرای از قبیل «صور اسرافیل»، «چهره‌نما»، «طنین»، «ایران نو»، «اقبال»، «وقت»، «یولدوز»، «ترجمان»، «صراط‌المستقیم»، «شورا»، «تلمیذ»، «الدین والادب»، «فیوضات»، «ملا نصرالدین» و غیره موجود بود.

در پیروی از مکتب اصول جدید شکوری در شهر سمرقند، محمد نورمحمدزاده در روستاهای بلونفور و جنبای قاری کامل، همچنین شاگردان سابق او عصمت‌الله رحمت‌الله‌زاده، محمدیونس یولداش‌زاده، محمدقلی احمدجان، نسیم ظریفی، جوهره‌قل کاملی، کینجه حامدی،

عبدالجبار نذری‌قل، تاج‌الدین و عبدالحمید عظمت و دیگران مکاتب اصول جدید تأسیس نمودند.

سال ۱۹۱۸ مکتب عبدالقادر شکوری دولتی شد. بعداً او باز دو مکتب دیگر، یکی در گذر شربت‌دار و دیگری در روستای رجب‌امین که حالا نام شکوری را دارد، تأسیس نمودند. سیداحمد وصلی در حق شکوری و مکتب اصول جدید او چنین ابیاتی سروده است:

ای معلم مکتبت بارونق و پرنور باد
تا قیامت نام نیکت در جهان مشهور باد
جهد کن از بهر ما تا عالم و دانا شویم
پرده غفلت ز گوش و دیده ما دور باد
ما محبان اصول سوتیه هستیم از آن
تربیت کن خاطر هر کس ز تو مسرور باد
کم کم از هر علم و فن دانسته تعلیمی نما
بهره گیریم از تمدن جاهلیت دور باد
با تبسم خدمت خلق می‌کنی دلشاد باش
کام هر اهل تعصب تلخ و تند و شور باد
سعی کن بهر تمدن حرفه‌ها آماده کن
این اصول سوتیه در هر کجا منظور باد^۵

پی‌نوشتها:

۱. رحیم هاشم - سالها در صحیفه‌ها. - دوشنبه، ۱۹۸۸، ص ۲۸۷-۲۸۸.
۲. ودود محمودی - معلم عبدالقادر شکوری. // صدای شرق، ۱۹۹۰، شماره ۸، ص ۹.
۳. محمودی و. معلم عبدالقادر شکوری. // صدای شرق، ۱۹۹۰، شماره ۸، ص ۹-۱۰.
۴. هاشم ر. سالها در صحیفه‌ها. - دوشنبه، ۱۹۸۸. - ص ۲۰۶-۲۰۷.
۵. محمودی و. معلم عبدالقادر شکوری. // صدای شرق، ۱۹۹۰، شماره ۸، ص ۲۰.